

دین پژوهی

جستارهایی در پدیدارشناسی ادیان

عبدالرحیم گواهی

ژوزف کیتاگاوا

ویلفرد کنتول اسمیت

رافائل پتازونی

ژان دانیلو

میرچئا الیاده

لویی ماسینیون

ارنست بنز

فردریش هایلر

ترجمه و تألیف: دکتر عبدالرحیم گواهی



دفتر نشر فرهنگ اسلامی

بسمه تعالی

تقدیم به بانوی بزرگوار جهان اسلام و
مسیحیت خانم دکتر آنه‌ماری شیمل که
عمر پربرکت خویش را یکسره وقف رفع
سوء تفاهم از اسلام در غرب مسیحی نمود
و پاک و مسلمان و مرضیه از میان ما رفت.

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۷	مقدمه
۲۳	تاریخ ادیان در آمریکا / ژوزف کیتاگاوا
۶۳	دین‌شناسی تطبیقی: به کجا و چرا؟ / ویلفرد کنتول اسمیت
۹۹	هستی متعال: ساختار پدیدارشناسانه و شکلی‌گیری تاریخی / رافائل پتازونی
۱۰۹	پدیدارشناسی ادیان و فلسفه دین / ژان دانیلو
۱۳۷	تذکراتی روش‌شناختی در باب مطالعه نمادگرایی دینی / میرچئا الیاده
۱۶۷	مفهوم «نخبة حقیقی» در جامعه‌شناسی و در تاریخ / لویی ماسینیون
۱۷۹	در باب فهم ادیان غیرمسیحی / ارنست بنز
۲۰۳	تاریخ ادیان به مثابه آماده‌شدن برای همکاری ادیان / فردریش هایلر
۲۴۳	تأملاتی در باب دین‌پژوهی / عبدالرحیم گواهی
۲۵۵	درآمدی بر مباحث دین‌شناسی تطبیقی / عبدالرحیم گواهی
۲۷۹	مقدمه‌ای بر سیر تحول ادیان / عبدالرحیم گواهی
۲۹۱	ضرورت و فایده گفتگوی دینی / عبدالرحیم گواهی
۳۱۱	شرح حال نویسندگان
۳۱۷	فهرست اعلام

پیشگفتار

کتابی که پیش رو دارید ترجمه تاریخ ادیان ویراسته الیاده و کیتاگوا از یادگارهای استاد فقیدم، پروفسور یان بارگمن^۱ رئیس انیستیتوی الهیات دانشگاه اوپسالا سوئد است که در سال ۱۳۵۹ (اوایل ۱۹۸۱ میلادی) مطالعه و نقد و بررسی آن از منظری اسلامی را جزو مقدمات دروس دکترای ادیان آن دانشکده به بنده توصیه کرد و این جانب ضمن مطالعه و بحث و بررسی آن و ارائه مقاله‌ای در جمع دانشجویان مقطع دکترای ادیان و الهیات اوپسالا، به جهت محتوا و اهمیت کتاب در حوزه دین‌پژوهی و به ویژه رشته نسبتاً جدید مطالعه تطبیقی ادیان، تصمیم گرفتم که پس از مراجعت به ایران و کسب فراغت، بال به ترجمه آن مبادرت ورزم، هر چند که این اولین و یا تنها کتاب از این نوع نبود و کتب بااهمیت دیگری از این دست، نظیر *ادیان زنده جهان* هیوم و *شرق‌شناسی* ادوارد سعید را نیز من به همین منظور پسندیده و کنار گذاشته بودم. گرچه دو کتاب اخیر به ترتیب بیست و پانزده سالی است که وارد بازار شده و به‌خصوص کتاب

۱. Jan Bergeman اسلام‌شناس و شرق‌شناس مشهور سوئدی که به چندین زبان اروپایی و عربی مسلط بود و از تبار نیکاتی چون عارف و دین‌شناس بزرگ سوئدی، سونیدنبرگ بود. دریغ و افسوس که صهیونیست‌های نابکار، به دلیل یکی دو سفر پروفسور بارگمن به ایران در اوایل انقلاب و حمایت آن مرحوم از فریاد استقلال‌خواهی و آزادی‌خواهی ملت مظلوم ایران، از طریق ابادهی پنهان و آشکار خود در سوئد و حوزه اسکاندیناوی چنان فشار روحی-روانی سختی برایشان وارد ساختند که در میانالی یا سکنه قلبی جهان را وداع گفت و به جوار رحمت الهی کوچ کرد. روایتش شاه‌باد که سربلند زیست و سربلند رحل اقامت کرد.

ادیان زنده جهان هیوم امروزه به صورت یک کتاب درسی دانشگاهی درآمده و چاپ بیستم خود را هم پشت سر گذاشته است.

کتاب تاریخ ادیان ویراسته میرچا الیاده و ژوزف کیتاگاوا در سال ۱۹۵۹ میلادی، یعنی قریب به بیست سال قبل از زمانی که پرفسور بارگمن آن را در زمره کتب درسی رشته ادیان دانشگاه اوپسالا قرار داده بوده و پنجاه سال پیش از این، توسط انتشارات دانشگاه شیکاگو که در آن سرزمین یکی از برجسته‌ترین دانشگاه‌های آمریکایی در حوزه جدید دین‌پژوهی بوده، چاپ و روانه بازار شده است و اگر هیچ نبود جز شهرت علمی افرادی چون ویلفرد کنتول اسمیت، لویی ماسینیون، میرچا الیاده، فردریش هایلر و دیگران، همین کافی بود تا کتاب به‌زودی از جایگاه بالایی در حوزه دین‌پژوهی برخوردار شود که حقیقتاً همین طور هم بوده و از آن زمان تاکنون از اهمیت و ارزش کتاب چیزی کم نشده است. همچنین کتاب به یواخیم واخ (۱۸۹۸ - ۱۹۵۵) دین‌شناس شهیر آلمانی مقیم آمریکا تقدیم شده که در روزگار خود از برجسته‌ترین دین‌شناسان عصر به شمار می‌رفته و در سال‌های میانی قرن بیستم در میان‌سالی از دنیا رفته است.

این کتاب مجموعه‌ای از هشت مقاله یا رساله تحقیقی است، عمدتاً در «متدولوژی» دین‌پژوهی، به قلم دانشمندانی از گوشه و کنار دنیا که جملگی برای مقصد دین‌پژوهی از اطراف و اکناف جهان در دانشگاه شیکاگو گرد آمده بودند. به ترتیبی که در متن کتاب آمده، ابتدا پرفسور کیتاگاوا مقاله‌ای در باب «تاریخ ادیان در آمریکا» به رشته تحریر درآورده و سپس پرفسور کنتول اسمیت مطلبی درباره چرایی و چگونگی دین‌شناسی تطبیقی و اینکه کار را باید از کجا شروع کرد ارائه داده است. مقاله سوم تألیف رافائل پتازونی و در باب ساختار پدیدارشناسانه و تحول تاریخی مفهوم هستی متعال است. چهارمین مقاله که در عین حال یکی از مقالات نسبتاً کوتاه مجموعه است نوشته ژان دانیلو و در موضوع پدیدارشناسی ادیان و فلسفه دین است. مقاله نسبتاً بلند بعدی مربوط به لویی ماسینیون و در باب «مفهوم نخبه حقیقی در جامعه‌شناسی و در تاریخ» می‌باشد که البته تا حدودی هم مقاله مغلقی است.

دو مقاله نسبتاً روان‌تر بعدی یکی مقاله هفتم با عنوان «در باب درک ادیان غیرمسیحی» نوشته ارنست بنز دین‌شناس آلمانی است و دیگری هم مقاله بلند و طولانی فردریش هایلر دین‌شناس بزرگ آلمانی با موضوع جالب «تاریخ ادیان به مثابه آمادگی برای همکاری ادیان» می‌باشد که با توجه به بحث روز گفتگوی ادیان و تمدن‌ها حاوی پیشنهادات مفید و ارزنده‌ای است.

بدیهی است وقتی این تعداد از علما و اندیشمندان برجسته و سرشناس به طرح مسائل و موضوعاتی می‌پردازند یقیناً در سخن آنها نکات ظریف و دقیق یکی دوتا نیست. اجازه دهید برای مرور مختصر کتاب و برای توجه کسانی که شاید نرسند همه کتاب را در اولین فرصت مطالعه کنند به طرح تعدادی از این نکات برجسته و لطیف بپردازم، هر چند که مجموعه آنها یقیناً از چندین برابر حجم آنچه اینک عنوان می‌شود نیز بیشتر است.

در ص ۷۷ مقدمه (ص ۱۸ ترجمه) می‌خوانیم که ادیان جهان، در همه جای دنیا، رو به احیا هستند.

در ص ۷۸ مقدمه (ص ۱۹ ترجمه) می‌خوانیم که انسان موجودی مذهبی است.

در ص ۱ متن (ص ۲۴ ترجمه) می‌خوانیم که تاریخ ادیان در آمریکا رشته‌ای نسبتاً جدید است.

در ص ۱۵ متن (ص ۴۲ ترجمه) می‌خوانیم که هنوز برای این رشته نامگذاری واحدی انتخاب نشده و لذا آن را به اسامی گوناگون از قبیل «علم دین»، «دین‌شناسی»، «پدیدارشناسی» و غیره می‌خوانند.

در ص ۱۵ متن (ص ۴۳ ترجمه) سه اصل لازم برای دین‌پژوهی فهم ادیان دیگر، تردید نسبت به خود، و اتخاذ شیوه علمی عنوان شده است.

در ص ۱۶ متن (ص ۴۳ ترجمه) از همزیستی ادیان ابراهیمی در قرون وسطا سخن به میان آمده است.

در ص ۲۱ متن (ص ۵۰ ترجمه) عنوان شده که پدیده‌های دینی فقط به صورت مقوله‌هایی دینی قابل فهم‌اند و نه علمی یا فلسفی و غیره.

- در ص ۲۳ متن (ص ۵۲ ترجمه) گفته شده که دین یک اعتقاد یا قانون نیست، بلکه کسب بصیرت در دیدن است.
- در ص ۳۳ متن (ص ۶۶ ترجمه) گفته شده که امروزه، برای نخستین بار، همه بشریت یک امت واحد است.
- در ص ۴۳ متن (ص ۷۸ ترجمه) می‌خوانیم که فقط از روی آثار (هنری، ادبی، ...) یک دین می‌توان فهمید آن دین چیست.
- در ص ۴۹ متن (ص ۸۵ ترجمه) آمده که فهم درست هر دین موقوف به فهم ادیان دیگر است.
- در ص ۵۵ متن (ص ۹۳ ترجمه) آمده که بشر، در بررسی تاریخ دین و دین‌شناسی تطبیقی در حقیقت خود را مطالعه می‌کند.
- در ص ۶۶ متن (ص ۱۰۸ ترجمه) آمده که پدیدارشناسی دینی عبارت است از فهم دینی تاریخ.
- در ص ۶۸ متن (ص ۱۱۰ ترجمه) گفته شده که خدای ساخته عقل و خرد آدمی، خدای حقیقی نیست.
- در ص ۷۳ متن (ص ۱۱۷ ترجمه) آمده که دین نه حرکت انسان به سوی خدا، بلکه حرکت خداوند به سوی انسان است.
- در ص ۷۴ متن (ص ۱۲۰ ترجمه) گفته شده که الهیات یا علم کلام، علم نجات و رستگاری است و نه تأملات نظری.
- در ص ۸۴ متن (ص ۱۳۳ ترجمه) گفته شده که بیان دینی موجب انبساط و انسجام وجود آدمی می‌شود.
- در ص ۱۰۹ متن (ص ۱۶۹ ترجمه) گفته شده که احزاب ایدئولوژیک برای خود تاریخ رسمی قلابی می‌سازند!
- در ص ۱۱۱ متن (ص ۱۷۲ ترجمه) راجع به اهمیت عدد ۳۱۳ در ادیان مختلف بحث شده است.
- در ص ۱۱۶ متن (ص ۱۸۰ ترجمه) از مشکلات فهم ادیان آسیایی (شرقی) برای انسان مسیحی غربی سخن به میان آمده.

در ص ۱۲۰ متن (ص ۱۸۶ ترجمه) آمده که نگاه و فهم غلط اروپایی‌ها به ادیان شرقی برگرفته از نگاه غلط اروپایی - مسیحی آنهاست.

در ص ۱۲۴ متن (ص ۱۹۱ ترجمه) از تفسیر شرک‌آلود مسیحیت در تثلیث سخن به میان آمده است.

در ص ۱۳۳ متن (ص ۲۰۴ ترجمه) عنوان شده که امروزه تعقیب و آزار دینی نه از ناحیه قدرت‌های دینی، بلکه از جانب قدرت‌های مستبد سیاسی انجام می‌شود.

در ص ۱۳۴ متن (ص ۲۰۶ ترجمه) راجع به نگاه منحرف مسیحیان نسبت به پیروان ادیان دیگر بحث شده است.

در ص ۱۳۵ متن (ص ۲۰۷ ترجمه) از قول شلایرماخر می‌خوانیم که مسیحیت حقیقی عاری از تعصب و انحصارگرایی دینی است.

در ص ۱۳۸ متن (ص ۲۱۱ ترجمه) از قضاوت ناصواب جدل‌گرایان مسیحی نسبت به حضرت محمد ﷺ سخن به میان آمده است.

در ص ۱۴۱ متن (ص ۲۱۴ ترجمه) جذب مسیحیت اولیه در افکار یونانی‌وار مطرح شده است.

در ص ۱۴۱ متن (ص ۲۱۵ ترجمه) به این نکته درست اشاره شده که دین حقیقی نزد خداوند یکی بیش نیست.

در ص ۱۴۴ متن (ص ۲۱۸ ترجمه) به این مطلب اشاره شده که دوستان حقیقی خداوند جز وی را طلب نمی‌کنند.

در ص ۱۴۸ - ۱۵۰ متن (ص ۲۲۴ - ۲۲۸ ترجمه) بحث مستوفایی راجع به محبت در دین ارائه شده است.

در ص ۱۵۳ (ص ۲۳۱ ترجمه) از مخاصمات تاریخی تلخ بین یهودیان و مسیحیان و مسلمانان، سخن به میان آمده است.

در ص ۱۵۵ متن (ص ۲۳۴ ترجمه) گفته شده که وظیفه اصلی علم دین آشکار ساختن وحدت ادیان است.

در ص ۱۵۶ متن (ص ۲۳۶ ترجمه) گفته شده که احترام بیشتر به خداوند مستلزم احترام بیشتر به ادیان دیگر است.

در ص ۱۶۰ متن (ص ۲۴۰ ترجمه) از ضرورت تسامح و همکاری بین ادیان سخن به میان آمده است.

لازم به ذکر است که در این اثر ما را سر بحث و بررسی مطالب ارائه شده و نقد و تنقیح آنها نبوده است والا، چنان که می دانیم، هیچ گاه سخن بشری از سهو و خطا خالی نیست و در این اثر نیز، مثل جاهای دیگر، بعضی مطالب نه چندان درست و متقن به چشم می خورد که از آن جمله است:

ص ۷۶ متن (ص ۱۲۳ ترجمه) در این باره که عیسی مسیح عليه السلام نقطه اوج یا قله دینی بشریت است و لذا دین حقیقی با ارجاع به شخص وی تبیین می شود!

ص ۷۸ متن (ص ۱۲۵ ترجمه) که در آن تنها دو دین یهود و مسیحیت ادیانی جهانی تلقی شده اند!

ص ۱۲۳ متن (ص ۱۹۱ ترجمه) در معرفی دین یهودی به منزله تنها دین توحیدی عالم!

ص ۱۳۱ متن (ص ۲۰۱ ترجمه) در تأیید نجسند (حلول) های قبلی بود!

ص ۱۳۱ متن (ص ۲۰۲ ترجمه) در این مورد که حضرت مسیح تحقق کامل زمان و تحقق تاریخ ادیان است!

سرانجام اینکه این جانب علی رغم تأیید کلی مطالب کتاب و بیان اینکه به زعم حقیر، این اثر می تواند در زمره کتب درسی رشته تاریخ ادیان و دین شناسی تطبیقی قرار گیرد، برای اینکه معلوم شود در این برهه از زمان و در این نقطه از مکان ما در کجا ایستاده ایم و مسائل و مباحث مطرح در روزگار ما در حوزه ادیان خارجی و دین شناسی تطبیقی کدام ها هستند، چهار عنوان از مقالات خویش در این زمینه را در انتهای کتاب افزوده ام تا بدین ترتیب جایگاه ما نسبت به دیگران و رابطه ما با آنها، حداقل در این موضوع خاص روشن شود.

بگذارید فراموش نکنیم که خدای ما و همه جهانیان، در آخرین و کامل ترین پیام و حیانی خویش خطاب به نوع بشر، می فرماید:

«قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَى شَاكِلَتِهِ، فَرَبَّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» (ای پیامبر، بگو که هر کس بر شیوه خویش عمل می کند و خدای شما می داند که چه کسی بر

بهترین راه گام برمی دارد) (اسراء، ۸۴) که این اولین گام درست در مسیر تاریخ ادیان و دین شناسی تطبیقی است.

و السلام علی من اتبع الهدی

عبدالرحیم گواهی

تهران - مهر ماه هزار و سیصد و هشتاد و نه

مقدمه

به نظر می‌رسد که مطالعه تاریخ ادیان در مقطعی بحرانی از توسعه و تکامل خویش باشد. این مطلب در رابطه با این رشته علمی در هر دو جای شرق و غرب عالم مصداق دارد. برای مدت ده‌ها سال چنین به نظر می‌رسید که تاریخ ادیان به صورت یک رشته عمده مطالعاتی در دانشگاه‌ها و کالج‌های سرتاسر دنیا در حال شکل‌گیری است. در معدودی از مؤسسات اروپایی در واقع به چنین منزلی دست پیدا کرد، لیکن در دانشگاه‌های کشورهای انگلیسی‌زبان و غالب مدارس اروپایی به صورت یک رشته علمی آبرومند و ممتاز و لیکن جانبی باقی ماند. در بهترین شرایط، تاریخ ادیان به جایگاه نه چندان خوشایندی بین علوم اجتماعی و علوم انسانی دست پیدا کرد.

امروزه تاریخ ادیان یا به صورت یک رشته تخصصی عمده در خواهد آمد که نقشی کلیدی در داخل و بین علوم اجتماعی، علوم انسانی و الهیات (علم کلام) بازی خواهد کرد، یا اینکه به جایگاه موضوعی که احتراماً تحمل می‌شود در داخل یکی از رشته‌های مزبور یا چند تا از آنها سقوط خواهد کرد. باید آرزو کرد که شق اول حاکم شود و از هم اکنون نیز شواهد متعددی نشان می‌دهند چنین چیزی به وقوع خواهد پیوست.

برای تاریخ ادیان این دوره‌ای به غایت مبارک و میمون خواهد بود که به یکی از رشته‌های برجسته و شاخص در حیات دانشگاهی تبدیل شود، و بیش از هر

زمان چیزهایی برای ارائه به هر دو انسان غربی و شرقی در اختیار دارد. شرایط امروز جهان به گونه‌ای است که انسان متجدد، اعم از شرقی و غربی، در تلاش درک این عصر متحول و انقلابی با تغییرات گسترده و فراگیر و الگوهای زندگی نوظهور آن می‌باشد. یکی از راه‌هایی که بشر برای فهم و درک شرایط حاضر خویش جستجو می‌کند این است که آن را در رابطه با گذشته‌ای که از دل آن سر برآورده نگاه کند.

ادیان جهان همه جا در حال احیا هستند. برای نخستین بار در تاریخ جدید، مسیحیت و دین غالب مغرب‌زمین، با ادیان از نو جان گرفته شرق مواجه شده است. تنها بخشی از این تحول جدید را می‌توان برپایه ناسیونالیسم رو به ظهور شرقی توضیح داد.

واقعیت این است که انسان غربی تا قدری معرفت و درک نسبت به ادیان شرقی نداشته باشد نمی‌تواند انسان شرقی را به درستی درک و تحسین کند. خود این مطلب تاریخ ادیان را در دانشگاه جدید در موضع جدیدی قرار می‌دهد. این دیگر یک مشغله فکری صرفاً جالب، باطنی و لیکن مورد احترام نیست. امروزه تاریخ ادیان برای درک وضعیت جهان و در نتیجه خود ما امری ضروری است.

عامل دیگری که این تغییر نگرش نسبت به تاریخ ادیان را موجب شده چشم‌انداز جدیدی است که در خلال ربع قرن گذشته دست‌اندرکار بوده و امروزه می‌رود تا بر ذهن و روح غالب انسان‌های غربی حاکم شود. این چشم‌انداز جدید از دل گسترش علم، آن‌تروپولوژی (انسان‌شناسی) و الهیات رشد یافته است، اما مطمئناً در عملی متقابل و معکوس به یک برابری خواهی کاذب گسترش خواهد یافت، و خصلت منحصر به فرد بودن و معلوم بودن پهنه‌های وسیع تجربه بشری را حفظ خواهد کرد. بر خلاف رویکردی که می‌کوشد همه تجربه و واقعیت را به معدودی اصول یا اجزای اصلی و اساسی تقلیل دهد، این چشم‌انداز جدید تلاش می‌کند تا یک واقعیت معلوم و مفروض را بر حسب شرایط خود آن با خصلت انحصاری آن واقعیت و بالآخره در متن و سیاق خودش درک کند. روی مشابهت‌های مبنایی به قیمت چشم‌پوشی از ویژگی‌های خاص یا تفاوت‌ها تأکید نخواهد شد.

نه تنها تاریخ ادیان، این جابجایی اساسی در نگاه را پشت سر گذاشته است، — مطلبی که اساتید محترم، کیتاگاو و اسمیت، آن را به خوبی نشان داده‌اند — بلکه به ایجاد و تعمیق نگرش جدید نیز کمک کرده است. این زمان ادیان به خاطر خودشان مطالعه و ادراک می‌شوند و نه صرفاً برای کسب یک معرفت شخصی، معرفت اجتماعی و یا خوراکی به منظور حفظ یک دین مفروض، مطمئناً همه اینها هست و بنابراین باید با مهارت، خیال‌پردازی و استفاده از روش و متد انجام شود، لیکن تاریخ ادیان در کمال قوت خویش از هر یک از این کارکردها فراتر می‌رود. تلاش می‌کند تا به یکی از حقایق اساسی حیات نفوذ کند، پدیده انسان به مثابه موجودی مذهبی. برای اینکه کسی این اصل بنیادین را به نحو شایسته‌ای بررسی و کشف کند حتماً باید کار خود را با روحیه احترام و سعه صدر نسبت به خود واقعیت دینی، بدان صورت که در اشکال تاریخی خاص خود مورد مواجهه قرار می‌گیرد، شروع کند.

جالب است بدانیم که در این لحظه خاص در تاریخ، زمانی که از همه مردم دنیا خواسته می‌شود تا میراث دیگران را به خوبی درک کنند، دیدگاهی بر تاریخ ادیان حاکم است که بحث و تحقیق از منظری که جدی بودن، منحصر به فرد بودن و ویژگی خاص هر دین تاریخی خاص را مدنظر قرار می‌دهد مطالبه می‌کند. در این رشته علمی، جستجو به منظور دستیابی به کلیات یا انواع فروگذار نمی‌شود، اما دامنه بحث و تحقیق به مراتب از امکان یافتن مصادیق اینها در چند مخرج رایج و روشن اخلاقی یا ملی فراتر رفته است. می‌توان چنین گفت که امروزه حرفه دین‌پژوهی، از طریق جستجو در بین تجربیات دین تاریخی به دنبال دستیابی به اموری است که اساساً و به طور بنیادین مذهبی هستند، نه اینکه تجربیات موردی و خاص دینی را مورد چشم‌پوشی و غفلت قرار دهد یا اینکه آن را دور بزند. بنابراین، رشته مطالعات ادیان حرف‌های زیادی برای مطرح کردن در حوزه خویش‌شناسی جدید دارد و لذا کاری می‌کند که تأثیر آن در تعلیم و تربیت دانشگاهی هر چه بیشتر احساس شود.

علی‌رغم اوضاع و احوال نسبتاً مناسب معاصر، برای تاریخ ادیان کار چندان ساده و آسانی نیست که خود را به منزله یکی از فعالیت‌های علمی پیشرو در

دانشگاه جدید جا بیندازد. در حقیقت خطر بزرگ آن است که این حوزه مطالعاتی در رشته‌های دیگر علمی به کلی جذب شود. تاریخ ادیان با مواد و مطالبی سروکار دارد که همچنین مورد استفاده فلسفه دین، روانشناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و تاریخ الهیات می‌باشند. مشکل این است که نشان دهد که صرفاً یک رشته فرعی یا جنبی نسبت به دیگر رشته‌های مطالعاتی نیست، بلکه برای خود یک رشته علمی مستقل و مجزاست که حین استفاده از مواد خام حوزه‌های معرفت بشری سهم خود را نیز در افزایش آنها ایفا می‌کند.

این پرسشی است که اساتید بزرگوار الیاده^۱، دانیلو^۲، پتازونی^۳ و ماسینیون^۴ با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، سنوال مربوط به متدولوژی مناسب با این رشته علمی. تا پاسخ راضی‌کننده‌ای در مورد محتوا و شیوه مناسب تحقیق درباره تاریخ ادیان به دست نیاید، این رشته علمی نمی‌تواند نقش بالقوه خویش را محقق سازد. شاید مرحوم پروفیسور یواخیم واخ^۵ حق داشت که می‌گفت شیوه عمل و راهکار واحدی که برای همیشه و همواره مناسب مطالعه تاریخ ادیان باشد وجود ندارد، لیکن شیوه و روشی که اتخاذ می‌شود باید برای کل دوره و شرایط حاکم بر زمانه ایام مورد مطالعه مکفی باشد. امروزه رشته مطالعه ادیان بدین نقطه رسیده است. مقالات پروفیسور دانیلو و الیاده این نکته را کاملاً روشن می‌سازند.

از طرف دیگر، به نظر می‌رسد که تلاش‌های خوبی در این زمینه به عمل می‌آید تا شیوه و روش قانع‌کننده‌ای (برای مطالعه تاریخ ادیان) ایجاد شود و بدین وسیله سهم این رشته علمی ادا شود. مقصود از این کتاب نیز همان است. حوزه تاریخ ادیان همواره با حجم انبوهی از مواد و مطالب تقریباً نامفهوم که در قالب پیچیده‌ترین صور زبانی، سیاسی و اجتماعی حفظ شده‌اند روبروست، و در تلاش برای بازشناساندن مسئولیت‌ها و تشریک مساعی خویش رو به جلو حرکت کرده است. این حوزه معرفتی نیز، مانند هر رشته علمی دیگری، از تنش و چالش بین

1. Eliade.

2. Daniélo.

3. Peuzoni.

4. Massignon.

5. Joachim Wach.

و چالش بین عینیت و ذهنیت یا دو قطب برون‌ذهنی و درون‌ذهنی به خوبی آگاه است و نیز در حد خود تلاش می‌کند تا در نبرد دائمی بین مطالعه موردی (تخصصی) اجتناب‌ناپذیر و ضرورت تعمیم‌دادن موضوعات به توازنی مطلوب دست یابد.

در ایالات متحده آمریکا، تحقیق و تتبع علمی در این گونه موارد بار چشمگیری بر دوش محقق تحمیل می‌کند و این نه فقط به دلیل منابع مالی غیر قابل رقابت آن است، بلکه به دلیل موقعیت منحصر به فرد آن به منزله حد وسط بین فرهنگ اروپایی و فرهنگ ملل آسیایی هم هست. در این موقعیت محوری، دانش‌پژوه آمریکایی باید مشتاق و خواستار ایفای نقش جدیدی باشد. به سبب حجم انبوه تحقیقات در علوم اجتماعی، دانشگاه‌های آمریکا به خوبی مجهز هستند تا به مراکز عظیم مطالعه تاریخ ادیان تبدیل شوند. آنها باید ضرورتاً ارتباط نزدیک خود را با دانشگاه‌های اروپا حفظ کنند، در حالی که همزمان با ایجاد و توسعه روابط خود با شرق و آفریقا می‌پردازند.

ملاحظه علمی دیگری نیز هست که وظیفه خاص دیگری را برعهده مؤسسات آمریکایی قرار می‌دهد. تاریخ ادیان با درخواست‌های روزافزونی از ناحیه دانشگاه‌ها و کالج‌های آمریکایی روبروست، لیکن دلایل این خواسته‌ها همگی هم خوب نیستند. با این حال این امر فرصتی طلایی برای تاریخ ادیان به وجود می‌آورد تا از این ابتکار عمل استفاده کند و آن را در مسیر درست حرکت دهد. تاریخ ادیان نیز می‌تواند مانند رشته‌هایی چون ریاضیات یا تاریخ در زمره دروس عمومی و لازم کالج یا دانشگاه درآید. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که ما را وادار می‌سازد تا در مسیر چنین حرکتی گام برداریم.

طرح و برنامه ما این است که مجلدات دیگری را نیز در همین زمینه تاریخ ادیان منتشر سازیم، به نحوی که متخصصان و سایر محققان در جریان تحولات مربوط به این تحقیقات قرار داشته باشند. تلاش خواهد شد که روی مسائل عمده و حوزه‌های مورد علاقه این رشته خاص تمرکز شود. همچنین کوشش خواهد شد تا مباحث میان‌رشته‌ای تاریخ ادیان و سایر علوم نیز مورد توجه قرار گیرند.

بسیار مناسب است که ویرایش این اثر به دست پروفیسور الیاده و پروفیسور کیتاگوا، شاگرد سابق یواخیم واخ، انجام شده و دو مقاله آن نیز به قلم این دو تن است. واخ مصمم بود تا درون یک دانشگاه بزرگ آمریکا رشته تاریخ ادیان را به صورت محکمی پایه گذاری کند. چنان که نوشتجات وی نشان می دهند، وی علاقه مند بود تا موقتاً موضوع شیوه و روش بر سایر جنبه های این مطالعه پیشی گیرد. وی احساس می کرد که اگر قرار باشد تاریخ ادیان به منزله یک رشته علمی مجزا پابرجا بماند و نقش خلاقیتی را که از آن خواسته شده به خوبی ایفا کند این امر ضروری می نماید.

میرچنا الیاده، جانشین واخ در جایگاه رئیس حوزه مطالعاتی تاریخ ادیان در دانشکده الهیات دانشگاه شیکاگو به شیوه خاص خود این مقصد را که این رشته علمی بیش از پیش توسعه یابد و شیوه و روشی را به نمایش بگذارد که برای مباحث، مسائل و مطالب مطروحه در این رشته کافی باشد دنبال می کند. انتظار همگان این بود که اولین کتاب از مجموعه کتب تاریخ ادیان که به دست این دو عالم دین شناس ویرایش می شود صرفاً به مسأله اساسی روش شناختی (متدولوژی) موضوع بپردازد.

ژرالد بروئر^۱